

شناسایی و تبیین تجارب و واکنش‌های معنوی زنان قربانی خیانت زناشویی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

محمدحسن آسایش^۱، کیومرث فرح‌بخش^۲، حسین سلیمی بجستانی^۳، علی دلاور^۴

چکیده

خیانت زناشویی همسر، دارای آثار روانی- معنوی مختلفی است که به طور یکسان توسط همه افراد قربانی، تجربه و ادراک نمی‌شود و واکنش‌های معنوی آنها می‌تواند منفی و یا مثبت باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی واکنش‌های معنوی و دینی زنان قربانی خیانت زناشویی است که به روش پدیدارشناسی انجام شد. نمونه مورد مطالعه شامل زنان قربانی خیانت زناشویی ساکن شهر تهران، بخش شمیرانات به تعداد هجده نفر بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته تا مرحله اشباع انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش به روش تحلیل موضوعی (تماتیک) تحلیل شد که منجر به تولید دو مضمون اصلی، هشت مضمون فرعی و ۲۱ مفهوم اولیه در این موضوع گردید. مطابق نتایج به دست آمده، طبقات اصلی و زیر طبقات واکنش‌های معنوی زنان قربان خیانت زناشویی عبارت بود از: رویش معنوی با مضمون‌های فرعی استمداد به باورهای دینی، دلبستگی به خدا، توکل و حلم؛ گسستگی معنوی با مضمون‌های فرعی گسستگی عواطف دینی، گسستگی باورهای دینی، گسستگی رفتارهای دینی و گمگستگی. این نتایج را می‌توان بر اساس نظریه جهت‌گیری مذهبی درونی- بیرونی و نظریه مقابله‌ها تفسیر و تبیین نمود. این یافته‌ها که برگرفته از یک پژوهش کیفی بومی است، می‌تواند در تشخیص دقیق‌تر و تدوین بسته‌های مداخله‌ای برای بهبود سلامت روان و سلامت معنوی قربانیان خیانت زناشویی نقش اساسی داشته باشد.

واژگان کلیدی: خیانت زناشویی، بی‌وفایی، واکنش‌های معنوی، دین، زنان، مطالعه

پدیدارشناسی.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m.h.asayesh@yahoo.com

۲. دانشیار مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: kiiumars@yahoo.com

۳. دانشیار مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۴. استاد، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

ازدواج، پیمان و پیوند مقدسی است میان یک زن و مرد بر پایه روابط عاطفی و معنوی و جنسی که بر اساس انعقاد قراردادی شرعی، اجتماعی و قانونی شکل می‌گیرد و تعهداتی را برای زوجین به وجود می‌آورد. (به پژوه، ۱۳۸۸) در واقع ازدواج وسیله‌ای برای رشد کمال، تأمین سلامت و بقای نسل است که در مکتب اسلام از آن به تنها راه تشکیل خانواده، آرامش دهنده روح و روان فرد و محافظ او از رفتارهای جنسی نامشروع و غیر اخلاقی یاد شده است (جبرائیلی، زاده محمدی، و حیدری، ۱۳۹۲). از نظر میان فرهنگی^۱، به نوع ازدواجی که کسی در یک زمان، یک نفر را به همسری برمی‌گزیند، تک همسری^۲ می‌گویند که در غالب فرهنگ‌ها یک هنجار است (تساپلاس، فیشر، و آرون، ۲۰۱۰). بدیهی است برای حفظ کیان خانواده و ازدواج‌های تک همسری، تعهد و وفاداری بسیار ضروری است. تعهد زناشویی حدی است که در آن زن و شوهر دیدگاه بلندمدتی برای ازدواجشان دارند، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان قدم برمی‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست، می‌مانند (هارمون^۳، ۲۰۰۵). تعهد همچنان که موجب بخشش و فداکاری در زوجین و حفظ رابطه زناشویی می‌شود، در اقتصاد خانواده نیز تأثیرگذار است؛ وقتی زوجین به رابطه خود متعهد باشند، انگیزه بیشتری به همکاری متقابل پیدا کرده و به علایق یکدیگر بیشتر توجه می‌کنند (زانگ، و تسانگ، ۲۰۱۳).

هرچند تک همسری هنوز راهبرد اصلی ازدواج و تولیدمثل انسان است، امروزه خیانت زناشویی نیز امری شایع است. (بونک، و دایکسترا، ۲۰۰۶) محققین، خیانت^۴ را یکی از عوامل و دلایل اساسی تعارضات زناشویی، آسیب‌های روانی و اقدام عملی زوج‌ها برای طلاق مطرح کرده‌اند (شالکفورد، بسیر، و گوئتز، ۲۰۰۸؛ اسنایدر، بوکام، و گوردون، ۲۰۰۷). خیانت زناشویی، عبور فرد از مرز

1. Cross-culturally

2. monogamy

3. Tsapelas, I., Fisher, H. E., & Aron, A.

4. Harmon, Kh. D

5. Zhang, H., & Tsang, S. K. M.

6. Buunk, A. P., & Dijkstra, P.

7. infidelity

8. Shackelford, T. K., Besser, A., Goetz, A. T.

9. Snyder, D. K., Baucom, D. H., & Gordon, K. C.

رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از حیطه زناشویی است (دریگوتاس، وبارتا، ۲۰۰۱). مسئله خیانت زناشویی در جامعه ایران یک نگرانی روبه رشد است که با ناپایداری در روابط و نرخ بالای طلاق همراه است.

بررسی زوج‌های آمریکایی نشان می‌دهد که ۲۰٪ تا ۴۰٪ از مردان متأهل و ۲۰٪ تا ۲۵٪ از زنان متأهل در طول عمرشان رابطه خارج زناشویی^۲ دارند. (تافویا، و اسپیتزبرگ، ۲۰۰۷) در ایران، آمار دقیقی در این زمینه در دسترس نیست، اما آمارهای غیررسمی و گزارش متخصصین در مورد شیوع مراجعین مراکز مشاوره نشان می‌دهد که این آمار روبه رشد و نگران کننده است (آسایش، فرحبخش، سلیمی، و دلاور، ۱۳۹۶). در تحقیق فتحی (۱۳۹۴) آمار خیانت در مردان در سنین ۲۶ تا ۳۵ سال ۴۲٪ و در گزارش کاوه (۱۳۸۹) آمار خیانت زنان حدود ۱۳٪ - ۱۵٪ بیان شده است که البته با توجه به نمونه محدود پژوهش ایشان، این آمار قابل تعمیم به همه شهرها و فرهنگ‌ها در ایران نیست.

تحقیقات نشان می‌دهد که عواملی مثل ویژگی‌های شخصیتی، رضایت زناشویی، عوامل فرهنگی و اجتماعی و اعتقادات مذهبی، بر وقوع یا عدم وقوع خیانت زناشویی مؤثر است. (آسایش، ۱۳۹۶) همچنین افرادی که سطح بالاتری از معنویت دارند، در انجام وظایف خود تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته، تکالیف را به نحو شایسته‌تری انجام می‌دهند و از انجام وظایف خود احساس رضایت و خشنودی می‌کنند (ابادری، و امیریان زاده، ۱۳۹۵). کسانی که به طور منظم در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، میزان کمتری رابطه‌های جنسی نامشروع دارند (آتکینز، جابسون، و بوکام، ۲۰۰۱؛ تریس، و جیسن، ۲۰۰۵؛ ویسمن، گوردون، و چاتا، ۲۰۰۷).
بوردت، الیسون، شرکات و گور^۷ (۲۰۰۷) بیان کرده‌اند که به طور معمول، همه گروه‌های مذهبی و سنتی روابط جنسی خارج از ازدواج را محکوم می‌کنند. در مذاهب کاتولیک، اسلام، پروتستان و آیین‌های شرقی، خیانت زناشویی موضوع قابل قبولی نیست (پن، هرناندز،



1. Drigotas, S. & Barta. W.
2. extramarital affair
3. Tafoya, M., A. & Spitzberg, B. H.
4. Atkins, D. C., Jacobson, N. S., & Baucom, D. H.
5. Treas, J., & Giesen, D.
6. Whisman, M. A., Gordon, K. C., & Chatav, Y.
7. Burdette, A. M., Ellison, C. G., Sherkat, D. E., & Gore, K. A

و برمودز، ۱۹۹۷، به نقل از تساپلاس، فیشر، و آرون، ۲۰۱۰). این درحالی است که اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا^۲ (۲۰۰۵) اعلام کرده است که بیش از ۵۰٪ جمعیت آمریکایی ها آموزش های اخلاقی غالب مذاهب را در مورد ارتباطات زناشویی و روابط بین فردی، صحیح می دانند و در مورد خیانت نظر منفی دارند. از آنجاکه در ایران نیز بیشتر افراد بر اساس آموزه های دین مبین اسلام پرورش می یابند، نه تنها خیانت زناشویی پسندیده و قابل قبول نیست، بلکه واکنش های شدیدی در خانواده و اجتماع نسبت به آن نشان داده می شود.

از نظر بوردت و همکاران (۲۰۰۷) کسانی که وابستگی مذهبی بیشتری دارند، در معرض پیام های مذهبی مربوط به محکوم کردن خیانت قرار می گیرند و بر تقدس انحصارطلبی در ازدواج و تک همسری تأکید می کنند که این موضوع می تواند بر کیفیت واکنش های زنان قربانی خیانت زناشویی نیز اثرگذار باشد؛ زیرا زنان نیز با پذیرش این باور، نمی توانند خیانت را در زندگی زناشویی خود تحمل کنند. بی وفایی، رویدادی استرس زاست که اثرات زیانباری بر کانون خانواده و اعضای آن دارد و بر جنبه های مختلف روان همسر، از جمله هیجانات و باورهای او تأثیر می گذارد (آسایش، ۱۳۹۶؛ سودانی، کریمی، مهرابی زاده مقدم، و نیسی، ۱۳۹۲).

فرد قربانی خیانت، دچار سردرگمی های اساسی درباره خود، دیگران و دنیا می شود. متزلزل شدن باورهای بنیادین مثبت نسبت به خود، دیگران و زندگی سبب می شود که فرد احساس کند، هیچگونه کنترلی بر خود و زندگی زناشویی ندارد و خود را ضعیف و درمانده، همسر را غیر قابل اعتماد و غیر قابل پیش بینی و زندگی را مبهم و لرزان تلقی کند (قهاری، ۱۳۹۵). خیانت، باورهای اساسی قربانی را نسبت به ازدواج فروریخته و هویت فردی و زوجی آنها را زیر سؤال می برد (وینگ، و کریون، ۲۰۰۳).

البته بسیاری از مؤمنان خداوند را پناهگاه امن می دانند که در مواقع فشارهای روانی و تهدیدهای مختلف به او رو می آورند تا آرامش پیدا کنند. آنها خداوند را پایگاه امنی می دانند که به آنان جسارت و تهور رویارویی با مشکلات را می دهد. (غباری بناب، و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰) فروپاشی هویت فردی، اجتماعی و حتی معنوی قربانیان خیانت سبب می شود که فرد

1. Penn, Hernández & Bermúdez
2. United States Census Bureau
3. Winek, J., & Craven, P.

از مکانیسم‌های مقابله‌ای معنوی مختلفی برای کنار آمدن با این عامل استرس‌آور استفاده کند. باورهای معنوی و مذهبی و دیگر نظام‌های ارزشی، منابع خوبی برای مقابله با استرس است و به زندگی، مرگ و بحران‌های انسان معنا می‌دهد. در واقع، منابع مقابله‌ای مذهبی-معنوی، بُعد انگیزشی مقابله است که بر ابعاد شناختی و نگرشی مقابله در مواجهه با بحران اثرگذار است (خدایاری فرد و عابدینی، ۱۳۹۴). خیانت زناشویی در هر شکلی که باشد، می‌تواند اثر روان‌شناختی و حتی معنوی مخربی بر زنان قربانی بگذارد و این موضوع، تهدیدی برای سلامت معنوی افراد و به دنبال آن سلامت معنوی خانواده است. بنابراین، شناخت عمیق و بررسی آثار آن بر روی قربانیان برای کشف الگوی مداخله‌ای مناسب، ضروری است.

پژوهش حاضر به چند دلیل اساسی انجام شد: نخست اینکه افزایش آمار خیانت و قربانیان آن، تمرکز بر تجربه‌های قربانیان آن قابل توجه است؛ دوم اینکه خیانت زناشویی اثرات زیانباری بر کانون خانواده دارد و موجب تعارضات و گسستگی‌های خانوادگی و همچنین واکنش‌های روان‌شناختی آسیب‌زایی در قربانیان آن می‌شود؛ سوم اینکه پژوهش‌چندانی در حوزه بررسی کیفی آثار و تجارب معنوی ناشی از بی‌وفایی همسر در ایران انجام نشده است و قابلیت تعمیم یافته‌های خارج از کشور به نمونه‌های داخلی با محدودیت روبه‌رو است. چهارم اینکه برای تهیه بسته‌های مداخله‌ای مناسب برای بهبود سلامت روانی-معنوی قربانیان خیانت زناشویی لازم است که تجربه قربانیان خیانت و نوع واکنش‌های معنوی آنها بررسی شود. براین اساس، پژوهش حاضر با انجام یک مطالعه کیفی درصدد پاسخگویی به این سؤال است که «تجارب و واکنش‌های معنوی زنان قربانی خیانت زناشویی چگونه است؟».

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

چون هدف پژوهش حاضر، بررسی و درک کیفی آثار روانی-معنوی خیانت زناشویی از نظر تجربه زیسته زنان قربانی خیانت زناشویی است، ورود به جهان زیسته این زنان مستلزم اتخاذ رویکرد و روشی مناسب است. پدیدارشناسی، به مطالعه نمودها، تشریح ساختارهای

تجربه زیسته و آگاهانه بدون ارجاع به نظریات، تفکر قیاسی - فرضی و فرض های نظری پیشین می پردازد (زارعی، ۱۳۹۵). پدیدارشناسی فرد را بخشی از محیط می داند و تمرکز اصلی تحلیل آن بر توصیف و بررسی تجربه آگاهانه افراد و روشن کردن ساختار و جوهره پدیده های تجربه شده به همان صورتی است که در زندگی واقع شده اند (فتحی، ۱۳۸۴). از این رو، به منظور درک تجربه زیسته زنان قربانی خیانت زناشویی از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شد.

از نظر سازه‌گرایان اجتماعی، واقعیت‌ها به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند، بر استفاده از زبان استوارند و حاصل موقعیت‌هایی است که افراد در آن زندگی می‌کنند. (کوری، ۱۳۹۱) - برای این - اساس، در پژوهش حاضر خیانت زناشویی عبارت است از: هر گونه رابطه مخفی عاطفی یا جنسی با فردی غیر از همسر قانونی، به طوری که این روابط از نظر همسر فرد اقدام‌کننده (قربانی) خیانت محسوب شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از انجام مصاحبه از روش تحلیل موضوعی یا تماتیک^۱ که در پدیدارشناسی مرسوم است، استفاده شد. تحلیل موضوعی عبارت است از: تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیل دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده است. تحلیل موضوعی تقریباً در همه روش‌های تحلیل داده‌های کیفی که به طبقه‌بندی، شاخص‌بندی و سنخ‌بندی داده‌ها اشاره دارد، به کار می‌رود. از تحلیل موضوعی، نسخه‌های متعددی وجود دارد؛ در پژوهش حاضر از روش دپوی و گیتلین^۲ (۱۹۹۳، به نقل از زارعی، ۱۳۹۵) که نسخه طبیعت‌گرا از تحلیل موضوعی است، استفاده شد. این روش دو مرحله دارد؛ مرحله اول شامل چهار زیر مرحله است و می‌تواند به صورت همزمان نیز انجام شود. زیر مراحل اول عبارتند از: درگیری در تفکر قیاسی - استقرایی به طور همزمان؛ ساخت و تدوین مقوله‌ها (این مقوله‌ها با استفاده از فرآیند کدگذاری متعارف ساخته می‌شوند و در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های اساسی (کدبندی متمرکز) شکل می‌گیرند)؛ گروه‌بندی مقوله‌ها در سطح بالاتر از انتزاع (مقوله‌ها را می‌توان به طور مجدد بر اساس منطق مقایسه‌ای و معنایی به سطح بالاتر از انتزاع ارتقا

1. Thematic analysis

2. Depoy & Gittlin

داد؛ کشف معنایی و لایه‌های زیرین. مرحله دوم آماده کردن گزارش تحقیق است. به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار گوبا و لینکلن^۱ (۱۹۸۹، به نقل از زارعی، ۱۳۹۵) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کننده بازگشت داده شد تا درستی مطالب، تأیید و تغییرات لازم اعمال شود. برای تضمین قابلیت تصدیق، سعی شد که پژوهشگر، پیش فرض‌های پیشین خود را در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. برای تصدیق قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران متخصص و اساتید راهنما و مشاور استفاده شد. همچنین برای افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، سعی شد از نمونه‌های با سطح اجتماعی-اقتصادی، معنوی و سنی متفاوت در پژوهش استفاده شود.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

از آنجا که هدف تحقیق حاضر بررسی آثار و واکنش‌های معنوی ناشی از تجربه خیانت همسر بود، پژوهشگر فقط به دنبال کشف واکنش‌های سازگاران و یا ناسازگاران شرکت‌کنندگان پژوهش (قربانیان) در مقابل این موضوع بود و نه تقسیم‌بندی انواع رابطه مشروع و نامشروع و شناسایی آثار آنها بر همسر فرد اقدام‌کننده. بنابراین، جامعه پژوهش حاضر را زنان قربانی خیانت زناشویی بخش شمیرانات شهر تهران تشکیل دادند. از بین شرکت‌کنندگان، کسانی وارد تحقیق شدند که معتقد بودند رفتار خارج زناشویی همسرشان (شرعی یا غیرشرعی) خیانت است. بنابراین در پژوهش حاضر، تعریف خیانت زناشویی، همان تعریف ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان است که همه آنها واکنش‌های افسرده‌ساز را در مقابل آن نشان داده بودند و رابطه زناشویی آنها با همسرشان دچار مشکل شده بود. گروه نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. حجم نمونه تا اشباع داده‌ها ادامه داشت که تعداد هجده نفر بود. با توجه به نمونه‌گیری هدفمند، ملاک‌های انتخاب نمونه در پژوهش حاضر عبارت بود از: جنسیت (زنان)، وضعیت تأهل (متأهل بودن)، تحصیلات (حداقل سطح تحصیلات دیپلم) و تجربه خیانت همسر.

۲-۳. ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها پس از هماهنگی با مسئولین سازمان بهزیستی شمیرانات تهران در مراکز مشاوره مورد تأیید آنها از جمله مرکز مشاوره و شیرخوارگاه آمنه و کلینیک مددکاری ایران، انجام شد. مراجعین با هماهنگی مسئولین مراکز مشاوره مذکور و با اطلاع از اهداف پژوهش در مصاحبه شرکت کردند. پس از اطمینان دادن به مراجعین از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان گرفته شد. به شرکت‌کنندگان پژوهش گفته شد که به شنیدن دیدگاه و تجربه آنها از خیانت زناشویی علاقمندیم. محور اصلی سؤال‌های مصاحبه، کشف واکنش‌های معنوی قربانیان خیانت زناشویی بود. مصاحبه‌ها با این سؤال که «خیانت زناشویی چه آثار روانی- معنوی بر روی شما داشته است و شما چه تجارب و واکنش‌های معنوی و دینی را تجربه کردید؟» آغاز و براساس پاسخ‌ها، سؤالات بعدی طرح شد.

مدت زمان مصاحبه‌ها بین سی تا شصت دقیقه متناسب با روایات، میزان تحمل و علاقه مشارکت‌کنندگان به طول انجامید و برای انجام تحلیل‌های بعدی، این مصاحبه‌ها مکتوب شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارات (شرکت‌کننده شماره ۱ و ۲ و ...) استفاده شد.

۳. یافته های پژوهش

جدول ۱

مشخصات جمعیت شناختی گروه نمونه

تعداد فرزندان	مدت ازدواج	شغل	تحصیلات	سن	شرکت کننده
۲	۴۰	معلم بازنشسته	فوق دیپلم	۶۴	۱
۲	۱۰	خانه دار	لیسانس	۳۸	۲
-	۵	کارمند	لیسانس	۳۲	۳
۲	۱۳	خانه دارد	دیپلم	۳۲	۴
۲	۱۹	کارمند	لیسانس	۴۵	۵
-	۷	خانه دار	فوق لیسانس	۲۷	۶
۲	۲۸	خانه دار	دیپلم	۵۰	۷
-	۷	خانه دار	لیسانس	۳۶	۸
-	۳	کارمند بهزیستی	فوق لیسانس	۴۴	۹
-	۱	منشی	لیسانس	۳۴	۱۰
۲	۲۸	معلم	فوق دیپلم	۵۰	۱۱
-	۳	خانه دار	فوق دیپلم	۲۵	۱۲
۲	۱۰	کارمند	لیسانس	۴۰	۱۳
-	۱	خانه دار	لیسانس	۲۲	۱۴
-	۳	دانشجو	فوق دیپلم	۲۴	۱۵
۲	۱۵	فروشنده	لیسانس	۴۹	۱۶
-	۳	خانه دار	دانشجوی دکتری	۳۵	۱۷
۱	۱۹	آزاد	دیپلم	۴۰	۱۸

تعداد زنان قربانی بی وفایی شرکت کننده در این پژوهش هجده نفر بودند که اطلاعات جمعیت شناختی آنها در جدول ۱ گزارش شده است.



واکنش‌ها و تجارب معنوی زنان قربانی خیانت زناشویی

مضمون اصلی یا عمده	مضامین فرعی	مضامین فرعی‌تر
	استمداد به باورهای دینی	تکیه به باورهای دینی
		تفسیر مذهبی از خیانت
		باور به گناهکار بودن خطاکار
	دل‌بستگی به خدا	احساس امنیت در پناه خدا
		تقرب به خدا
رویش معنوی	توکل	دعا و طلب استمداد از خدا
		تمسک به قرآن
		ادای نماز
	حلم	کظم غیظ
		صبر
		گذشت و عفو
	گسستگی عواطف دینی	احساس ناامیدی و درماندگی از خدا
		احساس خشم از خدا
		احساس تنفر از خدا
		ترس از گناه و عذاب
گسستگی معنوی	گسستگی باورهای دینی	سستی در ایمان به خدا و اعتقادات دینی
		بدبینی به خدا
	گسستگی رفتارهای دینی	ارتداد
	گمگسستگی معنا	کاهل شدن در واجبات
		احساس پوچی و بی‌معنایی
		تغییر معنای زندگی

یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها که شامل واکنش‌ها و تجارب معنوی زنان قربانی خیانت زناشویی است، در جدول ۲ گزارش شده است. مطابق جدول ۲، تجزیه و تحلیل داده‌ها درباره واکنش‌ها و تجارب معنوی زنان قربانی خیانت زناشویی، منجر به تولید دو مضمون اصلی، هشت مضمون فرعی و ۲۱ مفهوم اولیه شد. کدگذاری‌ها به این شکل بود که ابتدا ۲۱ مفهوم اولیه در قالب هشت مضمون فرعی قرار گرفتند. در انتها، این مضمون‌ها به دو مضمون اصلی در سطح بالاتری، رویش معنوی و گسستگی معنوی کدگذاری شد.

۱-۳. رویش معنوی

نتایج داده‌ها نشان داد که افراد واکنش‌های معنوی متفاوتی نسبت به خیانت زناشویی داشتند. یک مضمون اصلی در این زمینه، رویش معنوی بود. مضامین فرعی رویش معنوی عبارت بود از: استمداد به باورهای دینی، دلبستگی به خدا، توکل و حلم. هرکدام از این مضامین فرعی از مفاهیم اولیه دیگری شکل گرفته است.

۱-۳-۱. استمداد به باورهای دینی

یکی از ابعاد تغییر در باورهای دینی در قربانیان خیانت، شامل استمداد به باورهای دینی بود. برخی از شرکت‌کنندگان از طریق تمسک به باورهای دینی و کسب احساس امنیت، تلاش به حفظ یکپارچگی شخصیت خود داشتند. برخی با تفسیر دینی آزمایش الهی از فاجعه خیانت، از شخصیت خود دفاع می‌کردند و برخی با محکوم کردن همسر و گناهکار دانستن او، به احساس پاکی خود افتخار می‌کردند. این بررسی حاکی از اهمیت باورهای دینی در حفظ سازماندهی شخصیت و تاب‌آوری قربانیان خیانت است. شایان ذکر است افرادی که باورهای دینی قوی‌تری داشتند و از آن در این موقعیت بحرانی استمداد می‌جستند، عوارض روانی کمتری نسبت به خیانت همسر بروز داده بودند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «شدیداً عرفانی و معنوی هستم و خواب‌های معنوی و عرفانی می‌بینم. نماز می‌خوانم. بعد معنویم بیشتر شده و همش خدا خدا و علی علی می‌کنم» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

۱-۳-۲. دلبستگی به خدا

برخی از شرکت‌کنندگان احساس قرب و نزدیکی بیشتری به خدا داشتند. آنها از طریق تلاش برای تقرب به خدا به دنبال دلبستگی به او بودند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان عنوان می‌کند:

من همیشه به خدا نزدیکم. من خیلی مذهبی نیستم، ولی درونم خیلی بی‌آلایش است. قلبم را خیلی بزرگ احساس می‌کنم؛ چون خدا توش هست. نماز که می‌خوانم یک آرامشی را حس می‌کنم که این حال را آنهایی که ساعت‌ها دعا می‌خوانند، حس نمی‌کنند. وسطش می‌نشینم، دعا می‌کنم. برای همه دعا می‌کنم و با خدا حرف می‌زنم... یکی از نقاط قوت زندگی من خداست. (شرکت‌کننده شماره ۱)

۳-۱-۳. توکل

در مصاحبه‌های به دست آمده، برخی از واکنش‌های معنوی شرکت‌کنندگان، نشان دهنده توکل به خدا بود و شرکت‌کنندگان رفتارها و اعمال دینی را برای بهبود شرایط با توکل به خدا انجام می‌دادند. برخی از آنها از با خواندن نماز و برخی با دعا و قرائت قرآن خود را آرام می‌کردند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «ارتباطم با خدا بیشتر شده و دعا می‌کنم که اون زن از زندگی ام بره بیرون، چشم‌های شوهرم باز بشه و به سمت گناه نره» (شرکت‌کننده شماره ۷).

۳-۱-۴. حلم

یکی دیگر از واکنش‌های رویشی در قربانیان، کظم غیظ، صبر و گذشت بود. برخی از آنها به خاطر فرزندان و برخی به خاطر خداوند خشم خود را فروخوردند و از ریختن آبروی همسر خود و انتقام دست کشیدند و در تلاش بودند تا زندگی خود را بسازند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «من خیلی گذشت داشتم، یک بار برای او گریه کردم... ملتمسانه می‌گفتم که عیب نداره، حالا این کار را کردی من تو را می‌بخشم. من تو را دوست داشتم، ما با هم با عشق و علاقه ازدواج کردیم؛ چرا باید این طوری بشه» (شرکت‌کننده شماره ۱).

۳-۲. گسستگی معنوی

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که افراد واکنش‌های معنوی متفاوتی به خیانت زناشویی دارند. یکی دیگر از ابعاد واکنش‌های معنوی، مضمون اصلی گسستگی معنوی بود. مضامین فرعی گسستگی معنوی عبارت بود از: گسستگی عواطف دینی، گسستگی باورهای دینی، گسستگی رفتارهای دینی و گمگستگی معنا. هر کدام از این مضامین فرعی از مفاهیم اولیه متعددی شکل گرفته است.

۳-۲-۱. گسستگی عواطف دینی

برخی از شرکت‌کنندگان به دلیل فشار زیاد ناشی از خیانت زناشویی، دچار احساسات و عواطف به هم ریخته و متزلزلی شدند که البته تعداد آنها زیاد نبود (۴ شرکت‌کننده). برخی احساس ناامیدی و درماندگی از خدا داشتند و یا از خدا خشم داشتند و برخی احساس تنفر از دین و یا ترس از عذاب پیدا کرده بودند. این واکنش‌ها نشان دهنده فشار شدید خیانت

زناشویی بر روی این شرکت‌کنندگان بود. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان عنوان کرد: «از خدا و همه چیز بدم آمده است. می‌گویم من که همیشه نماز می‌خوندم. حلال و حرام نکردم. می‌گویم تو چرا بیدارم نکردی. من چه گناهی کردم به درگاهت؟» (شرکت‌کننده شماره ۵)

۲-۲-۳. گسستگی باورهای دینی

برخی از شرکت‌کنندگان به دلیل فشار زیاد ناشی از خیانت، در ایمان و اعتقادات خود سست شده و یا اعتقادات خود را از دست داده بودند و حتی درباره یکی از شرکت‌کنندگان، ارتداد از دین اتفاق افتاده بود. این مضمون شامل سستی در ایمان به خدا و تضعیف شدن اعتقادات دینی، بدبینی به خدا و ارتداد بود. افرادی که باورهای دینی ضعیف‌تری داشتند، عوارض شدیدتری نسبت به آسیب از خود بروز داده بودند، اما برخی از افراد با درجه ایمان بالاتر نیز دچار این نابسامانی فکری شده بودند که برخی تا حد ارتداد نیز پیش رفته بودند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «من تا قبلش هیچ روزه و نماز قضایی نداشتم، ولی الان هیچ آثاری از دین توی خونه من نیست. از دین و اسلام بیرون آمدم. اعتقادات خودم را از دست دادم» (شرکت‌کننده شماره ۹).

برخی دیگر از شرکت‌کنندگان با ایمان نیز در مقطعی در ابتدای خیانت همسر، دچار گسستگی باورهای دینی شدند، اما در آخر به سوی باورهای دینی خود برگشتند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «یک مدت به خاطر افسردگی ام ارتباطم با خدا قطع شده بود، ولی بعدش بهتر شد» (شرکت‌کننده شماره ۲).

۳-۲-۳. گسستگی رفتارهای دینی

برخی از واکنش‌های معنوی شرکت‌کنندگان، در بعد رفتاری و انجام اعمال دینی بود. برخی از آنها در ادای واجبات دینی کاهل شده بودند و از این موضوع بسیار ناراحت بودند. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «من دیگر حجابم را رعایت نمی‌کنم، نماز نمی‌خوانم» (شرکت‌کننده شماره ۴).

۴-۲-۳. گمگشتگی معنا

از دیگر واکنش‌های معنوی شرکت‌کنندگان، ایجاد خلل در معنای زندگی آنها بود. برای

برخی از آنها معنای زندگی از دست رفته بود و احساس پوچی داشتند و برای برخی دیگر معنای زندگی تغییر کرده بود. در این مورد یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «معنای زندگی من تغییر کرده. برام دنیا تیره و تاره و ناامیدم» (شرکت‌کننده شماره ۳).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

گزارش‌های پژوهشی نشان می‌دهد که افراد قربانی بی‌وفایی همسر، در ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، جسمانی و معنوی به آن واکنش نشان می‌دهند. (پلوسو، ۲۰۰۷؛ آسایش، ۱۳۹۶؛ قهاری، ۱۳۹۵) نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان، واکنش‌های معنوی متفاوتی را به خیانت زناشویی نشان می‌دهند. تحلیل یافته‌ها منجر به تولید دو مضمون اصلی، هشت مضمون فرعی و ۲۱ مفهوم اولیه شد. با توجه به خلاء پژوهشی در ابعاد معنوی آسیب خیانت زناشویی، برای تبیین یافته‌های پژوهش در بعد معنوی از مبانی نظری مرتبط کمک گرفته می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، یکی از واکنش‌های اصلی معنوی قربانیان خیانت زناشویی، رویش معنوی بود؛ به این معنا که برخی از قربانیان خیانت زناشویی در مقابل این آسیب در راستای بهبود شرایط روانی خود و کیفیت زندگی‌شان به استمداد از باورهای دینی و اعتقادات مذهبی خود پرداختند. این یافته در پژوهش‌های پیشین مرتبط با واکنش‌های قربانیان خیانت زناشویی یافت نشد، اما با برخی از یافته‌های مرتبط با مهارت‌های مقابله در مقابل استرس همسو است. تحقیقات کارور، اسکیر و وین تراب^۲ (۱۹۸۹)، به نقل از ایزدی طامه، (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که مذهب، منبعی عاطفی است و می‌تواند عاملی برای تفسیر مجدد رویدادی فشارزا یا یک مهارت مقابله فعال یا محرک‌های فشارزا باشد. در پژوهش حاضر، برخی شرکت‌کنندگان از طریق تمسک به باورهای دینی و کسب احساس امنیت با ایمان به خدا، برای حفظ یکپارچگی شخصیت خود تلاش داشتند. برخی از آنها با تفسیر دینی آزمایش الهی از فاجعه خیانت زناشویی، از موجودیت شخصیت خود دفاع کردند و برخی با محکوم کردن همسر و گناهکار دانستن او، به احساس پاکی خود افتخار می‌کردند. این

1. Peluso, P. R.

2. Carver., schier., & weintraub

بررسی حاکی از اهمیت باورهای دینی در حفظ سازماندهی شخصیت و تاب‌آوری قربانیان خیانت است. در این پژوهش، افرادی که باورهای دینی قوی‌تری داشتند، عوارض کمتری نسبت به آسیب از خود برود داده بودند، این موضوع می‌تواند به دلیل کارآمدی مقابله‌های معنوی و دفاع‌های روانی آنها در این زمینه باشد. در این زمینه نیز پارگامنت (۱۹۹۷، به نقل از آسایش، ۱۳۹۶) اشاره می‌کند که هرچه شدت پیامدهای موقعیتی افزایش یابد، احتمال رخداد مقابله مذهبی- معنوی نیز افزایش پیدا می‌کند.

برخی از شرکت‌کنندگان احساس دل‌بستگی و نزدیکی بیشتری به خدا داشتند. آنها از طریق تلاش برای تقرب به خدا، به دنبال دل‌بستگی به او بودند. برخی از آنها از طریق ادای نماز و برخی از طریق خواندن دعا و قرآن خود را آرام می‌کردند. بسیاری از مؤمنان خداوند را پناهگاه امنی می‌دانند که در مواقع فشارهای روانی و تهدیدهای مختلف به او رو می‌آورند تا آرامش پیدا کنند و خداوند را پایگاه امن می‌دانند که به آنان جسارت و تهور رودرویی با مشکلات را فراهم می‌کند (غباری بناب، و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰). در این تحقیق نیز برخی از شرکت‌کنندگان خداوند را پناهگاه امنی برای آرامش خود یافته بودند. در تحقیق پالمر، کاترندهل، مورگان- کید^۱ (۲۰۱۱) نیز نشان داده شد، افرادی که از دعا و نیایش بهره می‌گیرند از عملکرد بهتری در زندگی برخوردارند؛ که این در پژوهش حاضر در مورد قربانیان خیانت زناشویی نیز تأیید شد.

همچنین برخی از قربانیان خیانت، با توکل به خدا به عنوان یکی از روش‌های مؤثر مقابله، با بحران خیانت زناشویی مقابله می‌کردند. شخص متوکل از هر چه غیر خداست نظر و امیدش را برمی‌دارد و ذهن او متوجه و معطوف خداوند می‌شود و تمام امید و اعتماد او در درجه اول به خداوند است نه به اسباب و وسایل ظاهری (غباری بناب، ۱۳۸۸)، بنابراین، افراد باایمانی که دچار مصیبت خیانت زناشویی می‌شود، به خدا توکل کرده و تلاش می‌کند تا با صبر و یاری طلبیدن از خداوند و استمداد از امکاناتی که در دسترس اوست، از جمله مشاور، مشکلات خود را برطرف نماید.

همچنین برخی از قربانیان خیانت زناشویی از طریق فرونشاندن خشم و داشتن صبر

و گذشت، سعی در نشان دادن حلم و ایجاد آرامش روانی در خود و ثبات در خانواده داشتند. حلم یکی از صفات پسندیده و از فضایل اخلاقی است؛ در تفسیر و تعریف حلم گفته شده است که حلم همان فرو بردن خشم و تسلط بر نفس است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۵). در قرآن و آموزه های دین مبین اسلام نیز به این نوع مقابله در مؤمنان و تقوایبشگان اشاره شده است. در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران خداوند برخی از ویژگی های متقین را بر می شمارد و می فرماید: «متقین کسانی هستند که خشم خود را فرو می برند و از (خطای) مردم می گذرند». همچنین خداوند، مؤمنان را به صبر در مصیبت ها و بحران ها دعوت می کند (رک. بقره: ۱۵۶)؛ زیرا در صبر، فوایدی برای تربیت نفس و تقویت شخصیت و افزایش توانمندی انسان در برابر سختی ها وجود دارد. در واقع، قرآن کریم به مردم آموزش می دهد که به هنگام مواجهه با مشکلات و حوادث به جای هراس و وحشت، در پی صبر و تلاش باشند تا از این امتحان سربلند بیرون بیایند. در عین حال، خداوند به آنها وعده یاری و کمک نیز داده است (ایزدی طامه، ۱۳۸۹). از نظر شهید مطهری (۱۳۸۸) یکی از فواید ایمان و دین داری واقعی، کاهش ناراحتی ها است؛ زیرا ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت و نوعی معنا می آفریند به طوری که تلخی ها را شیرین می کند. انسان با ایمان می داند که هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر عکس العملش در برابر تلخی های غیر قابل جبران، مطلوب باشد، به نحوی دیگر از طرف خداوند متعال جبران می شود.

واکنش برخی از قربانیان خیانت زناشویی، عفو بود. از آنجا که تحقیقات نشان می دهد که عفو با بهزیستی روان شناختی (بونو، مککناق، و روت، ۲۰۰۸)، معنا در زندگی (لاولر، و بیفری، ۲۰۰۶)، کاهش خشم (هیوانت، و اندریت، ۲۰۰۰، به نقل از خدابخش، و کیانی، ۱۳۹۲) و افزایش هماهنگی، اعتماد و صلح (برنت، داویس، گرین، ورتینگتون، و برادفیلد، ۲۰۰۹) رابطه مثبت دارد. بنابراین، اتخاذ راهبرد عفو که فضیلتی اخلاقی و مذهبی است (خدایاری فرد، و عابدینی، ۱۳۹۴)، برای قربانیان خیانت زناشویی برای افزایش بهزیستی روان شناختی، صلح و کاهش خشم آنها قابل توجیه است. براین اساس، افراد مؤمنی که مورد خیانت زناشویی قرار گرفتند، می دانند که جزای عمل

1. Bono, G., McCullough, M. E., & Root, L. M.

2. Lawler-Row, K. A., & Piferi, R. L.

3. Burnette, J. L., Davis, D. E., Green, J. D., Worthington, J. R. E. L., & Bradfield, E.

هر کسی داده خواهد شد و در برابر صبر و گذشت آنها خداوند به آنها پاداش نیکو خواهد داد و این حلم و سعه صدر باعث آرامش بیشتر آنها می شود.

برای تبیین واکنش های مربوط به رویش معنوی می توان از نظریه «جهت گیری مذهبی درونی- بیرونی» و نظریه «مقابله»^۱ کمک گرفت. آلپورت (۱۹۶۷، به نقل از جعفری، ۱۳۸۸) معتقد بود که مناسب ترین راه برای تقسیم بندی مذهب از نظر موضوعی این است که جهت گیری درونی و بیرونی در افراد تشخیص داده شود. شخصی که از درون برانگیخته شده باشد، با مذهبش زندگی می کند و انگیزه هایش را در خود مذهب، می یابد؛ چنین اشخاصی، مذهب و شخصیتشان یکی می شود. همچنین آلپورت^۲ (۱۹۶۳، به نقل از جان بزرگی، ۱۳۷۸) معتقد بود که سلامت روانی را فقط مبدأ درونی، یعنی ایمان بهبود می بخشد نه مبدأ برونی. بدین ترتیب او بر اهمیت رابطه بین مذهب درونی و سلامت روانی تأکید می ورزد. با توجه به این نظریه می توان چنین استنباط کرد که شرکت کنندگانی که جهت گیری مذهبی درونی داشتند، در نوع مقابله های خود در برابر خیانت همسر، واکنش های معنوی مقاوم تری داشتند که این موضوع در مصاحبه ها نیز مشهود بود.

همچنین بر اساس نظریه مقابله، باورهای معنوی و مذهبی و دیگر نظام های ارزشی، منابع خوبی برای مقابله است و به زندگی، مرگ و بحران های انسان معنا می دهد؛ همچنین منابع ذهنی و روانی عمیق تری از حالات ذهنی- شناختی یا نگرش های شخص است. در نظریه مقابله، بر نقش فعال انسان در فرآیند تفسیر و پاسخ دهی به عوامل تنیدگی زای زندگی تأکید می شود. بسیاری از شواهد تجربی نشان داده اند که تمایز در پسایندهای چندگانه مواجهه با رخداد های منفی زندگی، از طریق تفاوت در روش های خاص ارزیابی و مقابله قابل تبیین است (فولکمن^۳، ۲۰۱۰).

مقابله های معنوی صورت گرفته توسط زنان قربانی در قالب رویش معنوی، با مقابله های اشاره شده در دیدگاه پارگامنت^۴ (۲۰۰۵) همسواست. طبق نظریه پارگامنت (۲۰۰۵)،

1. coping theory
2. Allport
3. Folkman, S.
4. Pargament, K. I.



شیوه‌های چندگانه مقابله مذهبی^۱ برای دست‌یابی به آرامش و نزدیکی به خدا شامل جستجوی حمایت معنوی و اطمینان‌آفرینی از طریق دوستی و مراقبت خداوند، تمرکز مذهبی، انجام فعالیت‌های مذهبی برای تغییر توجه از عامل تنیدگی‌زا، تطهیر خود و انجام اعمال مذهبی، پیوند معنوی و تجربه احساس نزدیکی به قدرتی که آدمی را تعالی می‌بخشد و باقی ماندن در محدوده آموزه‌های دینی است که این رفتارها در غالب قربانیان خیانت زناشویی مشاهده شد. نتیجه اینکه جهت‌گیری مذهبی درونی، دارا بودن مقابله‌های مناسب معنوی و مذهبی، و دل‌بستگی به خدا می‌تواند در چگونگی واکنش مثبت و حفظ یکپارچگی شخصیت و تاب‌آوری قربانیان خیانت زناشویی مؤثر واقع شده باشد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر از هم‌گسستگی معنوی بود که شامل گسستگی عواطف دینی، گسستگی باورهای دینی، گسستگی رفتارهای دینی و گمگستگی معناست. در مورد این یافته‌ها پیشینه تحقیقاتی مشخصی یافت نشد. در پژوهش حاضر، برخی از شرکت‌کنندگان به دلیل فشار زیاد ناشی از بی‌وفایی، احساس ناامیدی و درماندگی از خدا داشتند و یا از خدا خشم داشتند و برخی احساس تنفر از دین و یا ترس از عذاب پیدا کرده بودند. این واکنش‌ها نشان‌دهنده فشار شدید خیانت بر روی این شرکت‌کنندگان است. یکی از الگوهای منفی مقابله‌ای، داشتن خشم نسبت به خداوند است به این دلیل که فرد را دچار حادثه بدی کرده است (خدایاری فرد، و عابدینی، ۱۳۹۴). از نظر پارگامنت (۱۹۹۹)، به نقل از آسایش، (۱۳۹۶)، این الگوی منفی، بیانگر مبارزه منفی مذهبی در مقابله است. چندین پژوهش از این مفهوم پارگامنت در مورد اثرهای متفاوت این الگوی مقابله‌ای بر سلامت، مرگ و سازگاری در نمونه‌های متشکل از افراد مسیحی - یهودی آمریکایی حمایت کرده‌اند (پارگامنت، کوئینگ، ترکشار، و هان، ۲۰۰۲).

همچنین برخی از شرکت‌کنندگان به دلیل فشار زیاد ناشی از خیانت زناشویی، در ایمان و اعتقادات خود سست شده و یا آن را از دست داده بودند و حتی برای یکی از آنها ارتداد از دین اتفاق افتاده بود. برخی از شرکت‌کنندگان نیز در ادای واجبات دینی و انجام رفتارهای دینی کاهل شده بودند. برای تبیین این واکنش‌ها نیز می‌توان از نظریه سبک‌های مذهبی

1. religiouscoping

2. Pargament, K. I., Koenig, H. G., Tarakeshwar, N., & Hahn, J.

درونی و بیرونی کمک گرفت. آلپورت (۱۹۶۳، به نقل از جان بزرگی، ۱۳۷۸) معتقد بود که مبدأ بیرونی مذهبی، نمی‌تواند سلامت روانی را بهبود بخشد و چه بسا موجب ایجاد اختلالات و عقاید ناسازگار در افراد شود. برای مثال، مسبب دانستن خداوند برای مصیبت به وجود آمده و داشتن خشم نسبت به خدا به این دلیل که باعث شده است فرد دچار حادثه بدی شود و یا چرا مانع از بروز حادثه بد برای فرد قربانی نشده است، یکی از الگوهای منفی در تفسیر واقعه و واکنش به آن در افراد قربانی است (خدایاری فرد، و عابدینی، ۱۳۹۴). وقتی فرد قربانی، فشار روانی زیادی را متحمل می‌شود و تصور می‌کند که خداوند جوابگوی او نیست، یا اینکه خواست خداوند بر وجود آمدن این فشار روانی برای او بوده است، پیوندهای ارتباطی و امید به خدا نیز گسسته می‌شود و فرد، اعتماد و محبت خود نسبت به خداوند را از دست می‌دهد و گسستگی معنوی در وی ایجاد می‌شود. این موضوع سبب می‌شود که فرد حتی معنای زندگی خود را هم از دست دهد و احساس پوچی کند، که یافته‌های این پژوهش مؤید این فرایند بود.

از طرفی، به نظر آلپورت (۱۹۶۷، به نقل از جعفری، ۱۳۸۸) شخصی که از بیرون برانگیخته شده و دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی است، مذهبش را تا وقتی که قابل تحمل و کاراست مورد استفاده قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز این موضوع تأیید شد؛ برخی از شرکت‌کنندگان تا قبل از فشار روانی خیانت زناشویی به انجام اعمال و فرایض دینی خود عمل می‌کردند و با خداوند ارتباط مثبتی داشتند، اما به محض به وقع پیوستن اتفاقی که مورد دلخواه آنها نبوده است از خداوند و انجام فرایض دینی فاصله گرفتند که این نشان دهنده عمیق نبودن باورهای دینی این افراد است.

می‌توان گفت که واکنش‌های معنوی قربانیان خیانت زناشویی متفاوت است و بسته به درجه معنویت و نوع جهت‌گیری مذهبی آنها، این واکنش‌ها و مقابله‌ها تفاوت خواهد داشت. خیانت زناشویی مصیبت و بحرانی است که در زندگی زناشویی آثار معنوی و اعتقادی متفاوتی ایجاد می‌کند. براین اساس، یک راهبرد تشخیصی و در نهایت درمانی و مشاوره‌ای برای قربانیان خیانت زناشویی، توجه به بعد معنوی این افراد است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، طولانی بودن فرایند به اشباع رسیدن نمونه

شش ماه) به دلیل پنهان بودن این آسیب بود. همچنین با توجه به تابو بودن موضع پژوهش، ممکن است مصاحبه شونده‌ها از گفتن برخی تجارب خود به ویژه در مورد کارکرد جنسی و تغییر در اعتقادات مذهبی به طور خودآگاه یا ناخودآگاه خودداری کرده باشند. همچنین از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر، اتکا به گزارش‌های زنان قربانی خیانت همسر بود، که قابلیت تعمیم یافته‌ها به کل جامعه را با مشکل روبرو می‌کند.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، برای افزایش اعتبار یافته‌ها، داده‌ها از منابع دیگری نیز جمع‌آوری گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود این تحقیق در مردان قربانی خیانت زناشویی و یا اطرافیان شاهد آثار خیانت زناشویی همانند والدین و فرزندان فرد قربانی نیز اجرا شود. همچنین با تفکیک نوع روابط فرزندناشویی (ازدواج موقت، تعدد زوجات و زنا) پژوهش‌هایی در مورد واکنش‌های سه گروه قربانی این نوع روابط انجام و این گروه‌ها با هم مقایسه شوند.

فهرست منابع

۱. ابادری، علی محمد، و امیریان زاده، مرگان (۱۳۹۵). رابطه معنویت در محیط کار و تعهد سازمانی با رفتار شهروندی سازمانی کارکنان. نشریه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۷ (۲)، ۱۱۹-۱۴۳.
۲. آسایش، محمدحسن (۱۳۹۶). تدوین الگوی چند بعدی مشاوره پس‌آسیب و اثربخشی آن برانصراف از طلاق، رضایت زناشویی و سلامت روان زوج‌های با سابقه بی‌وفایی همسر. رساله دکتری رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
۳. آسایش، محمدحسن، فرحبش، کیومرث، سلیمی بجزستانی، و دلاور، علی (۱۳۹۶). تبیین تجارب و واکنش‌های عاطفی زنان قربانی بی‌وفایی همسر: یک مطالعه کیفی. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۴ (۶)، ۳۵۵-۳۷۲.
۴. ایزدی طامه، احمد (۱۳۸۹). مقایسه تأثیر آموزش صبر، حل مسئله و ترکیبی (صبر و حل مسئله) بر مؤلفه‌های سخت‌رویی دانشجویان در یک دانشگاه نظامی. نشریه روان‌شناسی نظامی، ۱ (۳)، ۵۹-۷۲.
۵. به پژه، احمد (۱۳۸۸). ازدواج موفق و خانواده سالم چگونه؟ تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۶. جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸). بررسی اثربخشی روان‌درمانگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر اضطراب و تنبلیگی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
۷. جبرئیلی، هاشم، زاده محمدی، علی، و حیدری، محمود (۱۳۹۲). نقش ارزش‌های فرهنگی ازدواج و تفاوت‌های جنسی در انتخاب همسر. نشریه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۹ (۳۶)، ۳۷۷-۳۸۸.
۸. جعفری، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی-برونی) با شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان. نشریه علوم رفتاری، ۱ (۱)، ۹۱-۱۱۴.
۹. خدابخش، محمدرضا، و کیانی، فریبا (۱۳۹۲). عفو و بازبینی نقش آن در رفتارهای مراقبت‌گرایانه پرستاران و سلامت روانی-بدنی. نشریه اخلاق پزشکی، ۷ (۲۳)، ۱۱-۳۲.
۱۰. خدایاری فرد، محمد، و عابدینی، یاسمین (۱۳۹۴). نظریه‌ها و اصول خانواده‌درمانی با تأکید بر رویکردهای نوین درمان شناختی-رفتاری و معنوی-مذهبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. زارعی، سلمان (۱۳۹۵). تدوین و ارزشیابی اثربخشی الگوی مدیریت تعارض کار-خانواده مبتنی بر تجارب کارمندان

- مرد بر افزایش رضایت از زندگی و اشتیاق شغلی آنان. رساله دکتری رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
۱۲. سودانی، منصور، کریمی، جواد، مهرابی زاده مقدم، مهناز، ونیسی، عبدالکاظم (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و زوج درمانی هیجان مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرازنشویی در زوجین. *نشریه روان شناسی بالینی*، ۵ (۱۹)، ۳۵-۴۶.
۱۳. غباری بناب، باقر (۱۳۸۸). مشاوره و روان درمانگری با رویکرد معنویت. تهران: آرون.
۱۴. غباری بناب، باقر، و حدادی کوهسار، علی اکبر (۱۳۹۰). دل بستگی به خدا دریافت فرهنگ اسلامی: پایه های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه گیری. *نشریه روش ها و مدل های روان شناختی*، ۱۱ (۴)، ۷۳-۹۶.
۱۵. فتحی، بشارت (۱۳۸۴). پدیدارشناسی به منزله روش پژوهش کیفی. *نشریه اطلاع شناسی*، ۷ و ۸، ۱۵۷-۱۶۸.
۱۶. قهاری، شهربانو (۱۳۹۵). *بیمان شکنی درزنشویی*. تهران: انتشارات دانژه.
۱۷. کاوه، سعید (۱۳۸۹). *همسران و بی وفایی و خیانت*. تهران: انتشارات سخن.
۱۸. کوری، جerald (۱۳۹۱). *نظریه و کاربرست روان درمانی*. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: انتشارات ارسباران.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵). *میزان الحکمه*. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *انسان و ایمان*. قم: انتشارات صدرا.
21. Atkins, D. C., Jacobson, N. S., & Baucom, D. H. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *American Psychological Association*, 15(4), 735-749.
22. Bono, G., McCullough, M. E., & Root, L. M. (2008). Forgiveness, feeling connected to others, and well-being: Two longitudinal studies. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(3), 182-195.
23. Burdette, A. M., Ellison, C. G., Sherkat, D. E., & Gore, K. A. (2007). Are there religious variations in marital infidelity? *Journal of Family Issues*, 28, 1553 - 1581.
24. Burnette, J. L., Davis, D. E., Green, J. D., Worthington, J. R. E. L., & Bradfield, E. (2009). Insecure attachment and depressive symptoms: The mediating role of rumination, empathy, and forgiveness. *Personality and Individual Differences*, 46, 276-280.
25. Buunk, A. P., & Dijkstra, P. (2006). *Temptation and threat: Extradyadic relations and jealousy* The Cambridge handbook of personal. New York: Cambridge University Press.
26. Drigotas, S. & Barta. W. (2001). The cheating heart: Scientific exploration of infidelity. *Current Directions in Psychological Science*, 10, 177-180.
27. Folkman, S. (2010). *Oxford Handbook of Stress and Coping*. UK: Oxford University Press.
28. Harmon, k. h. D. (2005), *black man and marriage: the impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction*. Uplulshe doctoral dissertation. university of Alabama.
29. Lawler-Row, K. A., & Piferi, R. L. (2006). The forgiving personality: Describing a life well lived?. *Personality and Individual Differences*, 41(6), 1009- 1020.
30. Palmer, R.F., Katerndahl, D., & Morgan-Kidd, J. (2011). A Randomized Trial of the Effects of Remote Intercessory Prayer: Interactions with Personal Beliefs on Problem-Specific Outcomes and Functional Status. *journal Alt Compl Med*, 10, 438 -448.
31. Pargament, K. I. (2005). Religious coping methods a as predictors of psychological, physical, and spiritual outcomes among medically ill elderly patients: A two-year longitudinal study. *Journal of Health Psychology*, 9, 713 -730.
32. Pargament, K. I., Koenig, H. G., Tarakeshwar, N., & Hahn, J. (2001). Religious

- struggle as a predictor of mortality among medically ill elderly patients: A two-year longitudinal study. *Archives of Internal Medicine*, 161, 1881–1885.
33. Peluso, P. R. (2007). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York: Routledge.
 34. Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *Journal of Individual Differences Research*, 6, 13-25.
 35. Snyder, D. K., Baucom, D. H., & Gordon, K. C. (2007). *Getting Past the Affair: A program to help you cope, heal, and move on - together or apart*. New York: Guilford.
 36. Tafoya, M. A., & Spitzberg, B. H. (2007). *The dark side of infidelity: Its nature, prevalence, and communicative functions*. Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.
 37. Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of Marriage and The Family*, 62, 48 - 60.
 38. Tsapelas, I., Fisher, H. E., & Aron, A. (2010). *Infidelity: when, where, why*. New York: Routledge.
 39. United States Census Bureau (2005). *Statistical abstract of the United States*. Washington, DC: United States Census Bureau.
 40. Whisman, M. A., Gordon, K. C., & Chatav, Y. (2007). Predicting sexual infidelity in a populationbased sample of married individuals. *Journal of Family Psychology*, 21, 320 - 324.
 41. Winek, J., & Craven, P. (2003). Healing rituals for couples recovering from adultery. *Contemporary Family Therapy*, 25(3), 249-266.
 42. Zhang, H., & Tsang, S. K. M. (2013). relative Income and marital Happiness Among urban Chinese women: the moderating Role of personal commitment. *Journal of Happiness studies*, 14 (5), 1575-1584.